

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۹ نومبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۰۲

مواد تاریخ

۵

در تعزیت محمد شاه خان

آن کان^۱ رخشنده مهر، دُروه عَزّ و شرف
خان دریادل، محمد شاه خان، کاندل جهان
چون نخواند اندر کتاب شش جهت حرف بقا
خیمه همت کشید، از مُلک گیتی بر کران
آن، که بود از نور ذاتش، تابش مه مُستفاد
از قضای آسمان، ناگه فتاد اندر مُحاق
عالم بی اعتبار، از اعتبار عالمی
زین عزا رخساره مه گشت، از سیلی کبود
ناگهان چون آفتاب، منکسف گردید تار
بود بی همتا به قدر و پایه و عَزّ و وقار
چون ندید اندر سرای عاریت، جای قرار
زورق هستی فگند، از بحر دوران بر کنار
وان، که بود از بوی خُلُقش نگهت گل مُستعار
وز جفای اختران، چون گل فتاد از شاخسار
رسم عزت تازه کرد، الاعتبار، الاعتبار
زین مصیبت چشم گردون شد ز انجم اشکبار

^۱ "کان" کلمه عربی و در معنای "بود" و "آن کان"؛ یعنی "آن، که بود"

از وفاتش چون غبار غم به دلها راه یافت *^۲ سال تاریخ وفات او ازان آمد، غبار

* * *

*^۲ در حاشیه نسخه اصل نوشته «تاریخ وفات محمد شاه خان هزاره» {۱۲۰۳ هـ . ق}